

نقش تبلیغ در شکوفایی فطرت

مهدی شفیق^۱

چکیده

تبلیغات به عنوان ابزار تأثیرگذار، در هدایت افکار و رفتار انسان، می تواند نقش کلیدی در شکوفایی یا تضعیف فطرت پاک انسانی ایفا کند. فطرت، به عنوان سرشت الهی و گرایش ذاتی انسان به خیر، زیبایی و حقیقت، تحت تأثیر محتوای تبلیغاتی قرار می گیرد. این پژوهش، با روش تفسیری - تحلیلی و با استناد به منابع اسلامی قرآن و روایات، به بررسی نقش تبلیغ در بیداری فطرت می پردازد.

فرایند تحقیق در این پژوهش به این امر، متمرکز است، که تبلیغات مبتنی بر ارزش های اخلاقی و الهی، زمینه ساز شکوفایی فطرت هستند، در حالی که تبلیغات مادی گرا و گمراه کننده می تواند باعث کم رنگ شدن ارزش های انسانی و نابودی فطرت الهی انسان، شوند. تبلیغ دینی و نجات انسان جهت ثبات و امنیت اخلاقی و روانی جامعه است چنان که در جهان صنعتی تبلیغات را باعث پیشرفت های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی می دانند. کشورهای جهان، با برنامه تبلیغاتی و کارشناسان رسانه ای از مکاتب و اعتقادات دینی و فرهنگ ملل خود، محافظت می کند.

با فعالیت تبلیغ دینی و رسانه ای می توان، زمینه بازگشت، به اصالت انسانی را فراهم و فرهنگ اسلامی را در جهان صنعتی گسترش داد، تبلیغات صحیح و هدفمند باعث نجات انسان و امنیت صلح و آرامش، در جامعه و کانون گرم خانواده می گردد. روند سازی نقش تبلیغ؛ در شکوفایی فطرت انسان، یک نوع بازگشت به آنچه که ذاتاً انسان باید باشد، قابل دسترسی است. طبیعت و فطرت انسان امری تکوینی و جزو از خلقت انسان است که با ابعاد روحی و معنوی انسان گره خورده است تبلیغ دینی در شکوفایی فطرت، هدایت راهبردی را ایفا می کند.

واژگان کلیدی: تبلیغات، دینی، شکوفایی، فطرت.

^۱ دانش آموخته جامعه المصطفی العالمیه، عضو انجمن تبلیغ و ارتباطات موسسه آموزش عالی علوم انسانی

M.shafiq@gmail.com

۲. تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱/۲۵ تاریخ تأیید ۱۴۰۴/۲/۱۸

مقدمه

فطرت، مفهومی بنیادین در anthropology اسلامی و روانشناسی اخلاق است که به گرایش ذاتی انسان به سوی خداوند، خوبی‌ها و ارزش‌های متعالی اشاره دارد. این نشانه و علامت بیان‌گر این است که خداوند انسان را بر فطرت پاک و به‌دور از هر ناخالصی آفریده است.

در جهان صنعتی، تبلیغات به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای ارتباطی، نقش تعیین‌کننده در جهت‌دهی به فطرت انسان دارد. این مقاله به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه تبلیغات می‌توانند در شکوفایی یا سرکوب فطرت الهی انسان تأثیرگذار است. انسان‌ها در فطرت الهی با هم دیگر اشتراک معنوی دارد به‌این معنا که فطرت امرتکوینی و بخش لاینفک از پیکره وجودی انسان است و با سرشت انسان گره‌خورده است. انسان موجود متشکل از مجموعه‌ای عظیم است که باید شناخت. خصوصیت‌های ذاتی (بینش‌ها، گرایش‌ها، غریزه‌ها) در واقع اصل و ریشه‌ی شناخت معارف الهی جوهره انسان‌شناسی است که ارتباط مستقیم به بُعد روحی و معنوی دارد این سامانه بزرگ و شگفت‌آور را خداوند متعال در وجود انسان به کار گذاشته است در صورتی‌که با کمک همیاری تبلیغات اسلامی در مسیر تربیت صحیح، قرارگیرد شکوفایی در گلستان هدایت و معنویت، برای انسان حاصل می‌گردد با استفاده از منابع غنی دینی آیات و روایات و با الگو گرفتن از آموزه‌های و حیانی، انسان، در اوج کمال انسانی و بندگی، سعادت دنیا و آخرت را به دست می‌آورد و در مقام معنوی به کسب مدال پر افتخار احسن‌الخالقین مفتخر می‌گردد. چنان‌چه به معنویت و گذاره‌های دینی و شرعی بی‌تفاوت باشد این بی‌توجهی و کوتاهی در امور دینی و شرعیات ادامه پیدا کند انسان، در مسیر تباهی و گمراهی قرار می‌گیرد و به پایین‌ترین درجه مخلوقات و از حیوان پست‌تر می‌شود به‌جای می‌رسد که به درکات اسفل‌السافلین سقوط می‌کند، درحالی‌که خداوند متعال کتاب هدایتش را توسط آخرین پیامبر، برای ما فرستاده است. قرآن کریم کتاب هدایت و خورشید تابان معنویت

است که در اختیار ما قرار داده شده است و برای فلاح و رستگار بشر و بهبودی زندگی انسان، برنامه متعالی دارد. در همین راستا به وضعیت زندگی بشر توجه کرده و با پیام دلسوزانه و روشنگرانه مسیر آینده را آشکار و علامت‌گذاری نموده است.

"فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ" پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند (روم: ۳۰)

ضرورت شکوفایی فطرت با نگاه تحلیلی با این بیان آشکار می‌شود اگر تبلیغات اسلامی با تمایلات قلبی مخاطبان مورد توجه قرار گیرد راه رسیدن به اهداف انسانی و اسلامی (که همان نجات انسان از افتادن در دام تبلیغات گمراه کننده دشمنان است) هموارتر می‌گردد. نقش تبلیغات اسلامی در چنین شرایطی که تهاجم فرهنگی رسانه‌های بیگانه عمدتاً غربی بر ضد اسلام و خانواده‌های مسلمان به اوج خود رسیده است باید از هر زمانی پررنگ‌تر باشد. رسانه‌های غربی با ابزارهای متفاوت و به‌روز رسانی مادیات، دنیا پرستی را تبلیغ می‌کند، خداباوری و فطرت پاک انسان‌ها را هدف گرفته است با آلوده کردن انسان به گناه و فساد در واقع فطرت پاک انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مردم را نسبت به دین و ایمان به مقدسات مذهبی در شک و حالت ایستایی نگه می‌دارد. بد اخلاقی و نا هنجاری‌های اجتماعی و کجروی‌های بی‌قید و شرط را در میان جوامع اسلامی ترویج می‌کند.

چارچوب مفهومی

معنای لغوی:

تبلیغ؛ در بیان ادیبان عرب، واژه‌ای عربی بر گرفته شده از باب تفعیل به معنای رساندن و رسانیدن مشهور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۴۴).

معنای اصطلاحی

به نظر، رساترین تعریف، عبارت است از رساندن مجموعه منظم اطلاعات انتخابی به مقصد مخاطب جهت اقناع و برانگیختن احساسات مخاطب، به نفع و یا بر ضد یک موضوع معین. (الویری، ۱۳۸۰: ۴۴)

مقصود از بیان تعریف تبلیغ این است که بیان معارف الهی باید به مخاطبان جهانی ارائه گردد، رساندن پیام معارف دین و وحی برای دیگران و با جدیت پی گیری شود. محتوای پیام فرستادگان الهی نشان می دهد که رسالت و فرمان های الهی با اتمام حجت و هدایت بشر به سوی کمال گرایی و به دور از هر گونه تحریف پیام و خلاف گویی بیان می گردد تا در روند ارسال پیام الهی و تبلیغات معارف دینی به افراط تفریط روی نیاوریم. (رهبر، ۱۳۸۴: ۴۱)

معنای لغوی فطرت:

در لغت فطرت واژه عربی بر گرفته از ماده (ف، ط، ر). به معنای شکافتن آمده است. (حسینی، ۱۴۱۴: ۳۲۵) و بروزن فعلت می باشد که برای چگونگی حالت انجام کار، استعمال و مورد استفاده قرار می گیرد. (فیومی، ۱۳۷۲: ۴۷۶) باز شدن شیء و اظهار آن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۱۰) ابداع و اختراع (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۵۶) شکافتن از طول، ایجاد و ابداع آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۰) با توجه به این که جهان گیتی آفرینش و خلقت خداوند متعال به عنوان سوراخ کردن و کندن و شکافتن سایه و پرده ظلمات و تاریکی، عدم اظهار هستی امکانی، یکی از معانی فطرت آفرینش در خلقت است در صورتی که آفرینش، ابتدایی و ابداعی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۴) در همین ارتباط از ابن عباس نقل شده است که بیان می کرد: من به معنای (فاطر السموات و الارض) اشرف نداشتم و نمی فهمیدم که چیست؟ زمانیکه دو تا عرب بادیه نشین پیش من آمدند و در تسلط و مالکیت یک، چاه دعوا داشتند، یکی از طرف دعوا چنین گفت: «أنا فطرتها» اول من این

چاه آب را کندم و حفر کردم پس مال من است. این جا بود که من معنای فطرت را دانستم. (مبارک، ۱۳۶۷: ۴۵۷).

فطرت در اصطلاح

فطرت، در اصطلاح به حالت و خصوصیت روانی در پیکره وجودی انسان گفته می‌شود و در قالب و صورت آدمی قرار داده شده است و در آغاز خلقت بر اساس موجودی بنام انسان شکل گرفته است و در فرآیند خلقت، فطرت، بارگذاری شده است.

برخی اندیشمندان اسلامی راجع به معنای فطرت این‌گونه اشاره کرده‌است که فطرت عبارت است از روال و جریان طبیعی و قانونی نیروهای کشیشی که در انسان موجودیت خود را اظهار می‌کند، بر همین جریان طبیعی برای هر کدام از نیروهای غریزی، روانی و مغزی، فطرتی در نظر گرفته شده است و همان جریان طبیعی و منطقی در آن نیرو شکل گرفته‌است. (جعفری، ۱۳۷۳: ۱۴۱) علامه طباطبایی در عبارتی در این زمینه اشاره دارد که دین انسان راهنمای واقعی برای روش زندگی و علامت، برای مسیر سعادت و عاقبت بخیری در این جهان است بنابراین آفرینش انسان دارای خصوصیت و ویژگی تام است نحوه خلقت نشان دهنده این است که او را (انسان) در خیر و شر و پستی و بلندی زندگی که دارای پایان خوب و اهداف بلند انسانی را دنبال می‌کند مورد هدایت خود قرار می‌دهد. با طی مراحل یاد شده به هدف والای انسانی یعنی تقرب بخدا و اطاعت از پیامبران الهی، نائل می‌گردد، آفرینش انسان بر همین روش پایه‌گذاری شده است. این هدایتگر و هادی، چیزی جز فطرت و کیفیت خلقت انسان که در همه انسان‌ها وجود دارد و تغییر و تحوّل نمی‌پذیرد نیست. "فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فرمود: لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ" قرآن کریم با صراحت تمام بیان کرده است که در آفرینش الهی دگرگونی نیست. (محمد حسین، ۱۴۱۷: ۱۷۹).

فطرت، در اسلام، به معنای سرشت پاک و الهی انسان است که او را به سوی توحید، اخلاق و کمال سوق می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۳)

روانشناسانی مانند کارل راجرز نیز به "گرایش به خودشکوفایی" معتقدند که

شباهت‌هایی با مفهوم فطرت دارد. (راجز کارل: ۱۹۹۶) عوامل مؤثر بر فطرت: محیط، تربیت، رسانه و تبلیغات از جمله عواملی هستند که می‌توانند فطرت را تقویت یا تضعیف کنند. ولی تمرکز این پژوهش بر مؤلفه‌های است که تبلیغات، بر اساس گذاره‌های مثبت، که نقش بیدارگری و شکوفایی فطرت را دارد صورت می‌گیرد؛ تبلیغات می‌توانند به این شکل، بر فطرت تأثیر بگذارند، تبلیغات سازنده (تقویت‌کننده فطرت) مانند؛ تبلیغ علم و دانش و ارزش‌های اخلاقی، حیات طیبه، عمل صالح، تبلیغ معنویت و ارتباط با خدا. (امر به معروف و نهی از منکر) هم‌چنان برنامه‌های مذهبی سازنده استفاده از آیات و روایات، در تبلیغات؛ برای بیداری فطرت خداجویی در تقویت و شکوفای فطرت انسانی خیلی مهم و تأثیر گذار است.

۱) تبلیغ علم راه شکوفایی فطرت

آفرینش جهان بر اساس علم و دانش و آگاهی می‌باشد خورشید و ماه، ستارگان بی‌شمار آسمانی و شب روز و فصول سال که به طور منظم و شگفت آوری، در گردش است خود گواهی بر نقش علم و آگاهی و اطلاعات، برای زندگی بهتر است. سرعت، بخشیدن جهت فراگیری دانش، در شکوفای اعتقادات و باورهای ایمانی و تعهد به زیست انسانی و پایدار با محوریت اهتمام به آموزه‌های اسلامی و معارف دینی و توحیدی سعادت دنیا و آخرت را تضمین می‌کند در واقع بدون شناخت فطرت انسانی، توانایی؛ برای فتح و رسیدن به دریای بیکران دانش در جهان هستی، ممکن نیست.

از آنجایی که انسان فطرتاً طالب کشف حقیقت می‌باشد بخصوص جهت دریافت و آگاهی از حقیقت اصیل عالم، که خداوند متعال است در رأس دریافت و آگاهی بشر قرار می‌گیرد رسیدن به فصل شکوفایی یادگیری بر نامه‌های است که در مسیر اطاعت و پیروی از احکام که با فطرت انسان بیش از همه چیز مطابقت و سازگاری دارد و خداوند متعال در قرآن کریم از جایگاه انسان با تعلیم علم و دانش و اسرار آفرینش خبر می‌دهد.

"و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه فقال انبئونی

باسماء هولاء ان كنتم صادقین قالو سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم* قال يا آدم ابئنههم باسمائهم فلما انباهم باسمائهم قال الم اقل لكم انی اعلم غیب السماوات و الارض و اعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون."

بعد از مرحله تعلیم اسماء (دانستن اسرار آفرینش) و همین طور اسامی موجودات و نام گذاری آن را به آدم آموخت سپس به فرشتگان عرضه داشت این اسامی را نام ببرند همه عاجز ماندند از بیان اسامی (اسرار آفرینش) فرشتگان با کمال ادب تضرع عرض کردند پروردگار را تو از همه چیز منزهی ماییزی غیر آن چه به ما یاد داده ای نمی دانیم تو خود دانا و حکیمی برای همه موجودات جهان هستی.

پروردگار عالم فرمود: ای آدم، آنان را از اسامی و اسرار جهان هستی و موجودات آن، آگاه کن! آدم با قدرت خداوند متعال آنان (فرشتگان) را آگاه کرد بعد از آن که آدم آنان را آگاه کرد خداوند بزرگ فرمود آیا نگفتم؟ که من غیب آسمان ها و زمین را می دانم و همچنین می دانم آن چه را شما آشکار و یا مخفی و به خیال خودتان پنهان می داشتید. (بقره: ۳۱ تا ۳۳) پروردگار عالم در آغاز جهان هستی اسباب زندگی انسان را آماده کرد، سپس او را به شکل انسان موجود در آورد و با مهر آفرینش تکمیل نمود.

"خلق لكم ما فی الارض جمیعا" از قال ربك للملائكة"

حضرت علی (ع) فرمودند: "فلما مهد ارضه و انفذ امره اختار آدم" زمانی که جهان هستی و زمین را برای مخلوقات فراهم کرد و فرمانش را در کل جهان گیتی اجرایی نمود، انسان را آفرید. (نهج البلاغه: ۱۹)

فرایند امتیاز به آدم بعد از آفرینش فرشتگان از سوی خداوند متعال صورت گرفته است، به این دلیل که روند و نحوه آفریدن انسان را با آنان (فرشتگان) در میان گذاشت، سپس

انسان را به عنوان خلیفه و جانشین و حاکم الهی در جهان مادی و زمین تعیین کرد؛ (انی جاعل فی الارض خلیفه) از آیات مربوط به آفرینش فهمید می‌شود که داشته‌های علمی و اطلاعاتی فرشتگان محدود است و این هم از حکمت الهی است که علم مخلوقات به جهان گیتی و پیرامون، ان ناقص می‌باشد. (مالا تعلمون) خداوند در فرایند آفرینش و نشان دادن قدرت بی‌منتهای خود اسرار عالم وجود هستی را از نام اولیای خود انتخاب نموده است و جملات مورد نیاز را که در دنیا و آخرت باعث کمک و همیاری آدم می‌شود به او (آدم) تعلیم داد. (الحویزی، ۱۴۱۲: ۵۴)

از مفاهیم موافق آیات فوق این تحلیل، تقریب به ذهن است، در جهان هستی تمام موجودات و مخلوقات تحت سیطره و گستره خالق بی‌همتا قرار دارد. نظم حاکم در طبیعت، زمین و کوهها دره ها رود خانه های خروشان، که روی بستر زمین در جریان است در یا ها اقیانوس ها با توجه قا در متعال، تدبیر می‌شود همه این شگفتی های عالم برای ادم تعلیم داده شده است و امتیاز است که خدا به خلیفه و جانشین خود در این دنیای مادی افاضه کرده است: علم اگر موجود در عالم نبود امتیاز بر بنی ادم نبود" تقدم رتبه ادم نسبت به فرشتگان و بر تری انسان بر فرشتگان به خاطر علم است.

زمینه دریافت علم و شایستگی و لیاقت این مدال پر افتخار جانشینی فقط بواسطه علم و آگاهی در وجود انسان ظهور و بروز پیدا می‌کند تا از این رهگذر استعداد و لیاقت، نهایت فرصت شکوفای معنوی و مادی را بدست آورد و در چارچوب حکم خاص به کمال گرایی ادامه دهد و به خود آدم می‌فرماید: "اسکن ولا تقربا." (بقره: ۳۵) در این مسیر تعیین شده توانای رسیدن به کمال انسانی را دارد و هم چنین در زمینه کمالات دیگران ایفای نقش می‌کند.

اطلاعات و یاد گیری برای مخاطبان جهت شکوفای فطرت امری معقول و مطلوبی است که با استفاده از روش تبلیغ؛ برای آگاهی مردم و بالا بردن سطح آگاهی های دینی برای سلامت زندگی فردی و اجتماعی بسیار مفید می‌باشد از آنجاییکه انسان با فطرت پاک

افریده شده است ممکن است در شرایط زندگی د چارآلودگی و ناپاکی گردد در چنین مواقع تبلیغ علم و آگاهی قدرت بازایی به خوشتن انسان را نشان می دهد.

۲) شکوفایی فطرت با تبلیغ حیات طیه

برای تقویت اخلاق اسلامی و رفتار انسانی در فرد و اجتماع نیاز به تبلیغ گذاره های دینی و اسلامی است که می تواند روند سالم ماندن از عوامل گمراه کننده و حاکم کردن معنویت در دنیای مادی و امروزی را به دنبال داشته باشد و فضای جامعه با پر رنگ شدن معنویات، امنیت و آرامش را به خود می گیرد تبیین و تفهیم مفهوم ایمان برای انسان ها می تواند راه رسیدن به کمال معنوی و الهی را اسنان ترکند و شرایط زندگی در پر تو دین مبین اسلام به مرحله قابل قبول بهبود یابد و نزاع در گیری های فردی و اجتماعی به حد اقل برسد، تحقق این امر با بر چسته شدن تابلوی معنویات و ترویج ایمان به خدا و انبیاء و اولیا الهی ارتباط پیدا می کند فقط در سایه معنویات الهی و تقویت ایمان انسان ها قابل دسترسی است.

در قران کریم به دو نوع حیات؛ برای انسان اشاره شده است: الف) حیات طبیعی ؛ که همان جنبه حیوانیت مورد نظر است و با بقیه حیوانات در این وجه اشتراک دارد غلبه جنبه حیوانی مساوی است با شکستن حرمت انسان و تنزل دادن انسان به پست ترین موجود در جهان هستی.

و حیات طیه رسیدن به مرتبه عالی در پیشگاه خداوند متعال می باشد تبلیغ و بر جسته کردن راه و روش مقربان الهی می تواند در بیداری فطرت انسان های که به سبب غفلت و گناه دچار آسیب های روحی و روانی شد است تأثیر گذار باشد با دعوت و فراخوانی مردم را در مسیر معنویت راهنمایی کند، نگاه به طبیعت بهار سبز و زنده شدن گیاه نشانه ی است از فصل شکوفایی که فضای جهان را معطر می کند و زیبای خیره کننده را در معرض دید انسان قرار می دهد و این حیات برای انسان همان مسیر نورانی معنویت است که خداوند در کتاب مبین یاد آوری کرده است:

" او من کان میتا فاحییناه و جعلنا له نوراً یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها کذلک زین للکافرین ما کانوا یعملون "

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برای او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد. این چنین برای کافران اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند تزیین شده است و زیبا جلوه کرده است (انعام: ۱۱۲)

این آیه درباره ایمان آوردن حضرت حمزه، عموی پیامبر نازل شده است، که چون از اذیت و آزار ابوجهل نسبت به رسول خدا (ص) و مکتب او آگاه شد، در حمایت از پیامبر به سراغ ابوجهل رفت و با مشت بر سر او کوبید. آنگاه گفت: من از امروز، به محمد ایمان می‌آورم. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۲۵) "مرحله قبل از نطفه: "و کنتم امواتا فاحیاکم" (بقره: ۲۸) گمراهی: "او من کان میتا" (انعام: ۱۲۲) منطقه ی بی‌گیاه و خشک: "فسقناه الی بلد میت" (فاطر: ۹) *هم به مرگ موقت: "فقال لهم الله موتوا ثم احیاه" مرگ حقیقی: "انک میت و انهم میتون" (زمر: ۳۰).

در واقع انسان در هر شرایط نیاز به هادی و راهنما دارد و تمام انسان‌ها نسبت به یک دیگر باید احساس مسئولیت کند و برای ایجاد فضای معنوی در جهان سعی و تلاش فراوان لازم و ضروری است زیرا امنیت و آرامش در زندگی فقط با حاکم شدن معنویت ممکن می‌باشد، در جهان مادی با تمام امکانات رفاهی که فراهم کرده است موفق به اسایش روحی روانی در میان خانواده و جامعه نشده است این نشان می‌دهد که تنها راه نجات از فساد و گمراهی شکوفای فطرت انسان است تا به اصالت بشری که مخلوق خدای یکتاست بر گردد و راه درست معنویت، اطاعت و پیروی از قوانین و احکام الهی را عملاً در زندگی پیاده کند.

مسئولیت انسانی ایجاب می‌کند که در قبال همدیگر بی‌تفاوت نباشیم و در هر حال

هوای دیگران را داشته باشیم اگر انسان به حال خود رهای شود گرفتار آسیب های اخلاقی و روانی می گردد به هیچ وجه خود را ملزم به قوانین اجتماعی نمی داند با فرا موشی عقاید خود نسبت به مقدسات دینی و الهی بی احترامی می کند و از مرحله انسانیت سقوط کرده در دام فریبده مادیات و هیولای فساد تباهی گرفتار می شود.

با تبلیغ و دعوت بخوبی ها می توان فطرت انسان را به باز گشت در مسیر صراط مستقیم را هنمایی کرد تا با انجام عمل صالح از بندگانی متعهد الهی گردد: " من عمل صالحاً من ذکرا و انثی و هو مومن فلنحیینه حیاة طیبه " هر کس عمل شایسته انجام دهد زن یا مرد، درحالی که مومن باشد قطعاً به حیات پاک او را احیاء می کنیم» (نحل: ۹۷) یا می فرماید:

"یا ایها الذین آمنو استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم" (ای کسانی که ایمان آورده اید! برای خدا پاسخ مثبت دهید و همچنین دعوت رسول را که شما را به حقایقی فرا خواند که شما را احیاء کند، جواب دهید) (انفال: ۲۴)

رسالت فرستادگان الهی به ویژه دعوت پیامبر اسلام محمد مصطفی (ص) با یک بسته فرهنگ توحیدی که شامل عقاید، اخلاق، احکام، رفتارهای است که با پیاده کردن و ترویج فرهنگ خدا محوری و عبادت و ایمان، فرایند رو به رشد جامعه بشری را ترسیم می کند، بس برای رسیدن به جامعه ایده آل اسلامی، اطاعت از دستورات الهی و عمل به محتوای پیام ارسالی از جانب خداوند متعال برای انسان است، شکوفای فطرت انسان ارتباط مستقیم با خوبی هادارد زیرا تقویت فطرت الهی پاکی را به همراه می آورد و انسان را در مسیر معنویت قرار می دهد زندگی مادی و دنیایی در خدمت زندگی معنوی قرار گیرد استوانه های محکم در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه و مادی گرای صرف، می سازد.

تبلیغ معارف دینی و بیان احکام اسلامی در جهان امروز جلو بسیار از مشکلات اجتماعی و کجروی های اخلاقی را می گیرد و باعث شکوفای فطرت انسان می شود. رسالت تبلیغی ایجاب می کند قبل از تضعیف شدن فطرت انسان و گرفتار شدن تعداد دیگر از مردم

در چاله‌های فرهنگ مادی و شهوت رانی اقدام عملی و رسانه‌ی را باید گسترش داد و با انسجام قوی تبلیغی با تهاجم تبلیغات دشمنان دین مقابله نماییم. با تزریق فرهنگ سلامت روحی و روانی معارف اسلامی می‌توانیم راه نفوذ فساد و تباهی و دنیا گرایی صرف، را با بیدار کردن فطرت اصلی و پاک انسانی مسدود کنیم. برگشت به فطرت اولیه برای انسان مقدمه‌اش آگاهی و اطلاعات لازم از جهان هستی است که باید به دست آورد که انسان برای چه خلق شده است و هدف از خلقت چیست؟ (الطوسی، بی تا: ۲۵)

۳) تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر راه شکوفای فطرت.

تبلیغات اسلامی در بیان معارف دینی و احکام اسلامی نقش اساسی، در راهنمایی انسان دارد، برخی از احکامی الهی اجرای کردن آن برای مسلمانان واجب است که حتما در زندگی اجتماعی و فردی به آن لزوما عمل کند و این بستر مناسب برای ساختن جامعه اسلامی و حفظ و حراست از ارزش‌های دینی و اسلامی است که می‌تواند مبلغان را به آن رسالت تبلیغی و الهی که بر عهده دارند مساعدت و یاری نماید.

تبلیغ امر به معروف، نقش مهم و اساسی را در شکوفای فطرت انسان ایفا می‌کند بیان خوبی‌های چون صدق و راستگویی احترام به دیگران، اعتدال میانه روی در امورات زندگی و روابط اجتماعی، ادای دین، قرض الحسنه برای گشایش کارهای مردم، کمک کردن به دیگران؛ اقتصادی یا معنوی، این نشانه رشد و توسعه فرهنگ اسلامی و دینی در جامعه است. "و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون"

امر به تبلیغات معارف الهی و دینی و بیان احکام اسلامی نشان، می‌دهد که فرستادگان الهی انبیاء و لیا و ائمه معصومین (ع) بعد از آن مبلغان اسلامی، پرچم داران گسترش فرهنگ خوبی‌ها و نیکی‌ها در جهان می‌باشد. خداوند متعال با صراحت تمام می‌فرماید: "حتما و باید از میان امت اسلامی کسانی این وظیفه شرعی و الهی را در میان دیگران باز نشر

کند تا مخاطبان احکام الهی و اسلامی از مزایا و فوائد آن بهره مند گردد، ثمره و فایده عینی آن در کوتاه مدت و بلند مدت شکوفای فطرت انسان است. کسانی که دستورات الهی را به دیگران برسانند آنان به فلاح و رستگاری رسیده‌اند. چون دیگران را، به خوبی و نیکی فرا می‌خوانند اینان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و این پاداشی است از جانب خداوند متعال، به اینان تعلق گرفته است " (آل عمران: ۱۰۴)

باز نشر حکم الهی؛ امر به معروف و نهی از منکر، در جامعه اسلامی، روابط خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی، سیاسی، رفتارهای انسان را، به اعتدال و میانه‌روی جهت می‌دهد و در فضای زندگی انسانها، اعتماد و اطمینان حاکم می‌شود چون پیام امر به معروف؛ محبت، دوستی و صمیمیت، در چارچوب قانون الهی است و با فطرت انسانی همخوانی دارد، این نوع ارتباط و فرایند، می‌تواند روند توسعه و رشد فرهنگ اسلامی و دینی را تسریع کند تا انسان در سایه فرهنگ ناب اسلامی به آسایش فکری و زندگی شرافت‌مندانه، به اهداف انسانی خود برسد و حد کمال انسانی را طی کند و به مقامات عالیّه نزدیک شود و در زمره مقربان در گاه الهی قرار گیرد و از نور هدایت الهی عالی‌ترین استفاده را کسب نماید، تبلیغ و ترویج معنویات و ایمان و اقبال به مقدسات دینی در میان مردم و جامعه در شکوفای فرهنگی دینی و اسلامی نقش کلیدی دارد و انسان می‌تواند در شکوفای یک دیگر تأثیر گذار باشد و نقش آفرینی کند و در روند رو به رشد جامعه اسلامی مساعدت، و همراهی داشته باشد و احساس مسئولیت را در بین تک تک افراد به وجود بیاورد این نشانه و علامت انسان مومن و عمل صالح بند گان خداست که مورد پذیرش فطرت پاک انسانی که خلقتش را خداوند خالق، با سرشت پاک تکمیل کرده‌است، می‌شود با انجام عمل صالح به آن پاکی اولیه دست پیدا کرد: تایید برای این مطلب در سوره عصر بیان شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

" والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و

تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر " (سوره، عصر)

زندگی در دنیای مادی منهای اخلاق و معنویت ممکن است انسان را به راه‌های غیر معمول و غیر مشروع با بدی‌ها همراه کند درست است که انسان بر فطرت پاک متولد شده است اما با رشد جسمی در حالت تکلیف قرار می‌گیرد، به این معنی که نمی‌تواند هرکاری را انجام بدهد و یا بی‌تفاوت باشد با آن که اختیار از او سلب نمی‌شود می‌تواند به راه سعادت برود و یا به مسیر گناه و معصیت خود را گرفتار کند. همه انسان‌ها در پی زیان و ضرر رساندن است مگر آنان که عمل صالح انجام می‌دهد و سفارش بر گرفتن جانب حق و حرکت در راه خدا با صبر و استقامت است.

تبلیغ امر به معروف و نهی از منکر وظیفه و رسالت عمومی است برای کل افراد جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) تعهد و مسئولیت‌آور است. "المؤمنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف" عالمان و مبلغان اسلامی و نخبگان جامعه برای ترویج امر به معروف و نهی از منکر در صف اول قرار می‌گیرد و این تقدم بخاطر علم و آگاهی و اطلاعات آنان نسبت به دیگران است. البته بدون کمک و همیاری متقابل مردم فرهنگ سازی برای امر به معروف و نهی از منکر امکان ندارد و اگر چنین باشد با شکست مواجه می‌شود و فقط در متون و کتاب‌ها به صورت ایستا و بلااستفاده می‌ماند.

ظاهراً آیه فوق اشاره به این مطلب دارد، که افراد جامعه اسلامی برای شکوفایی فطرت انسانی با یکدیگر همکاری و همیاری داشته باشد و نسبت به گسترش فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی موضع قاطع و اصلاح‌گراانه اتخاذ کند همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید: "و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبت لا یخرج الا نکدا کذلک نصرف الایات لقوم یشکرون" (اعراف، ۸۵)

"سرزمین پاک گیاهش به اذن خدا در آید، لیکن از زمین ناپاک جز اندک چیزی نروید" آلودگی انسان به فساد یک امر طبیعی است این تنزل از مقام معنوی به زمینه و بسترهای فساد در جامعه به وجود می‌آید اگر علم و عمل با هم برای پاکسازی روحی و روانی انسان از فساد و کجروی‌های اخلاقی پای کار نیاید، توقع جامعه پاک با معیارهای دینی و اخلاقی

اسلامی را نداشته باشیم بازیابی انسان به خویشتن پاک و شکوفایی فطرت در گرو علمی است که همراه با عمل باشد، عالم، مبلغ؛ چراغ هدایت انسان است پس نهایت دقت در اعمال و رفتار را داشته باشد بدون عمل، این چراغ نور افشانی ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۶۰۶)

امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند برای فرهنگ همگانی و دعوت به کارهای خوب، در چاقوب نظارت های عمومی افراد عالم و صالح، نقش توسعه و رشد شکوفای فطرت انسانی را ایفا کند و باعث همگرایی معنوی در اجتماعات دینی و اسلامی گردد.

فضای اجتماعی با رنگ و بوی معنویت می‌تواند جلو خیلی از هنجار شکنی‌های اخلاقی، اجتماعی و فساد ها را بگیرد مجموعه از افراد عالم و صالح در فرایند ترویج امر به معروف و تبلیغ خوبی‌ها، نقش اساسی در پیاده کردن احکام اسلامی را می‌تواند داشته باشد با احساس مسئولیت و تکلیف شرعی و اسلامی اجازه نمی‌دهد که افراد جامعه اسلامی و به مسیر انحراف اخلاقی و بی دینی بر گردد با نهی از منکر زمینه فرهنگ بد اخلاقی‌های اجتماعی کم رنگ می‌شود و با ادامه مبارزه با مفاسد اخلاقی و اجتماعی روند رشد و توسعه فرهنگ اسلامی و حاکم شدن معنویت در جامعه و خانواده زمینه انحرافات، با عمل به احکام دینی و اسلامی به وجود نمی‌آید.

تقویت باورها و اعتقاد، به مقدسات، با تبلیغ ارزش‌های معنوی و اسلامی می‌تواند انسان را برای رسیدن به حد کمالات انسانی و درجات عالیه راهنمایی کند، فراگیر شدن امر به معروف و نهی از منکر در دنیای امروز، در بازگشت انسان به فطرت پاک انسانی تاثیر گذار است.

۴) عمل صالح و شکوفایی فطرت انسان

فرستادگان الهی بپذیرفتن تمام مشکلات، لحظه از تبلیغ احکام الهی غافل نشدند و ۱۹ در راه رسیدن به اهداف و حیانی و تبلیغی، هیچ‌گونه ضعف و سستی در بیان معارف اسلامی و نشر آن در برنامه تبلیغی آنان مشاهده نمی‌شود همین سعی تلاش فراوان بود که نتیجه

دادند و انسان‌های صالح و مومن را تربیت نمودند و تحویل جامعه بشری دادند زیرا برای در امان ماندن از آلودگی‌های دنیایی و غرق شدن در دریای فساد و گمراهی، فقط عمل صالح است که انسان را نجات می‌دهد. درست است که انسان با قطرت پاک در این دنیا پا می‌گذارد راه رفتن و حرف زدن را یاد می‌گیرد و بحد کمال و بلوغ جوانی می‌رسد و با طی کردن مراحل رشد جسمی، تکلیف بر او بار می‌شود تا در انجام آن (تکالیف) کوشش نموده و کوتاهی نکند. انسان مسئولیت‌های دارد که باید به آن توجه کند، در دنیای مادی خیر و شر وجود دارد و خداوند متعال انسان را مختار آفریده است و در برنامه‌های زندگی مخیر است که نوع زندگی را خود انتخاب کند یا راه سعادت و خوشبختی را طی کند. یا در مسیر سقوط و ظلمات و گمراه حیران و سرگردان باشد، فرصت طلایی را از دست می‌دهد. زمانی متوجه می‌شود که عمر باقی‌مانده است و دنیای جاودانه را به دنیای مادی زود گذر باخته است و با روح و روان افسرده و آلوده به گناه و طغیان‌گر و سرپیچی از دستورات الهی زندگی مال اموال همسر و فرزند و خانواده و خویشانش را ترک می‌کند.

مهر مردود، از عدم اطاعت و بندگی در پرونده‌ی پایان عمرش می‌خورد انتظار به‌جایی است که با اعمال صالح جلو خاموش شدن فطرت پاک انسان گرفته شود و این موضوع با گسترش و تبلیغ برنامه‌های دینی و اعتقادی قابل محقق و دست‌یافتنی است.

توجه مسلمانان به انجام کارهای پسندیده که مورد تایید دین اسلام و قرآن کریم باشد در توسعه و رشد فرهنگ اخلاقی ایمانی در میان افراد، حایز اهمیت است. این نوع رفتار زمینه سلامت جامعه اسلامی را از هر نوع کجروی‌های اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی تضمین می‌کند از طرفی دیگر مسلمانان به تمام احکام الهی ملتزم و آن را در زندگی فردی و اجتماعی اجرایی کند اگر مسلمانی اهل جهاد با کافران است باید اهل انفاق در راه خدا نیز باشد این رفتار همسو با تشریک مساعی در فرایند اجتماعی قابل تقدیر است و پیامدهای مثبت، در ارتباط، با جهان، دارد.

نگاه خالصانه و ارتباط عاشقانه با محبوب خود خداوند متعال، داشته باشد، که انسان

را خلق کرده است و برایش امکانات زندگی فراهم کرده است تا رشد کند و به حد کمال انسانی برسد، و در بدست آوردن و جلب رضایت حق تعالی نهایت سعی و تلاشش را مبذول دارد با اطاعت و پیروی از دستورات الهی می‌شود به تقرب بندگی جامه عمل بپوشانیم، همان گونه که خدا را دوست داریم نسبت به خانواده و افراد دیگر نیز رفتار و معاشرت انسانی را مراعات کنیم با تعامل نیک و خیر و خوبی، رحمت و لطف خداوند متعال شامل حال انسان می‌شود. و این روحیه بزرگواری در ارتباط، با دیگران، تسلیم، در مقابل دستورات الهی است.

" لیس البران تولوا وجوهکم قبل المشرق " دایره نیکی و عمل خوب در مدار احکام اسلامی تنگ و محدود نیست که با انجام یک فریضه و رسیدن به عمل خوب و قابل پاداش از طرف خداوند متعال اکتفا گردد و نماز تنها کفایت نمی‌کند باید به تمام آنچه که نماز، انسان را به شناخت و آگاهی می‌رساند توجه کرد نماز با صداقت گفتار با دیگران و انفاق در راه خدا و متعهد به آنچه که در قرار دادهای اجتماعی بین انسان مشهود و مرسوم است همراهت باشد و این فرایند سازی اخلاق فردی و اجتماعی در رفتار، عیان گردد. دستگیری از یتیمان در راه ماندگان و دفاع از مظلومان، استقامت و پایداری در میدان جنگ و مبارزه است اینان نمونه های از اعمال نیک و پسندیده است که جامعیت بندگی انسان را در پیشگاه خداوند متعال نشان می‌دهد. قول و بیان و گفتار و اعمال و رفتار و اعتقاد راسخ به پروردگار عالم از تمام حرکات اینان مشهود و نمایان است. (بقره: ۱۷۷)

۵) ارتباط قانون الهی با شکوفایی انسان:

جهان هستی موجودات، مخلوقات، زمین و آسمان، با حاکمیت قانون الهی مرتبط، و تمام حرکات فعل انفعالات تحت مدیریت خداوند قادر متعال است، در ارتباط با بندگان، همه انسان ها را به اطاعت و پیروی از دستورات، الهی فرا می‌خواند و جامعه بشری را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کند: " کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشرین و

مندرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه و الله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم " (بقره: ۲۱۳)

فرستادگان الهی برای راهنمای بشر، بیان گر این است که انسان ها مشکلات فراوانی، در زندگی فردی و اجتماعی داشتند تضاد های طایفه ی و قبیله و اختلافات شدید، تا حد درگیری های فیزیکی و جنگ ها و نزاع های خانوادگی، و طایفه ای و نژادی که منجر به کشته شدن زنان، کودکان، مردان، می انجامید. پیامبران الهی پیام آور صلح و آرامش به آنان ا بشارت می دهد که دنیای واقعی و بهشت جاودان منتظر کسانی است که خدا را پرستش کند و حاکمیت قانون الهی را با جان و دل بپذیرد و از احکام شرعی الهی اطاعت و پیروی نماید و این پیام الهی است که توسط فرستادگان خداوند یکتا و بی همتا برای امت واحده باز نشر شده است و خداوند به تمام وعده هایش صادق است و در ان خلاف وجود ندارد.

پیام فرستادگان الهی علاوه بر وعده بشارت جنبه انذار و بیم نیز دارد کسانی که از دستورات احکام الهی اطاعت و پیروی نکند و بر طغیان و سرکشی ادامه دهد مورد بازخواست و در دادگاه الهی محاکمه می شود به اندازه جرم که مرتکب شده است مجازات در نظر گرفته می شود در واقع ابلاغ پیام بشارت و انذار، تأمین کننده صلح و آرامش و باعث رشد و توسعه در جوامع انسانی می گردد و جلو بسیاری از نا هنجاری های اخلاقی و اجتماعی گرفته می شود.

بلاشک حاکمیت قانون الهی سعادت دنیا و آخرت را برای مردم به ارمغان می آورد ممکن است برخی از انسانها به خاطر منافع شخصی زیر بار قانون الهی نروند اما چتر قانون عمومیت دارد شامل تمام جوامع انسانی می شود ظرفیت موجود در احکام اسلامی نشان می دهد که هیچ کس در سایه قانون اسلامی موجب ضرر و زیان نمی گردد ایمان بخدا و تسلیم در برابر قوانین الهی موجب برگشت انسان به فطرت الهی است که انسان فطرتا پاک آفریده شده است.

شکوفای فطرت در صورت محقق می‌شود که انسان از هواهای نفسانی اطاعت نکند و در تمام عمر خود را مطیع امر الهی بداند و از مسیر حق و حقیقت دور نگردد و در راستای دین اسلام و نشر معارف اسلامی نهایت سعی و تلاش را از خود نشان دهد، فقط انسانی که آلوده به گناه و معصیت نشده است می‌تواند با سلامت روحی و روانی دیگران را به فطرت پاک انسانی برگرداند.

امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: "انما بدع وقع الفتن اهواء تتبع و احکام تبندع" (نهج البلاغه: خ ۵۰) سر آغاز تمام اختلافات و قانون شکنی‌ها و فتنه‌های که در میان مردم پدیدار می‌شود اطاعت از هوای نفسانی است فرمان انسان تا زمانی که بدست هوای نفسانی باشد به هیچ قانون پاسخ گو نیست فقط در راه کسب قدرت و پیروی از شهوت قدم بر می‌دارد. انسان اسیر شهوت تمام تصمیمات که می‌گیرد از روی هوای و هوس شیطانی است با این عوارض، فطرت پاک انسانی لکه دار می‌شود و از فضای معنویات فاصله می‌گیرد. برای برگشت انسان به فطرت پاک، تبلیغ احکام دینی و حاکمیت قانون الهی می‌تواند تأثیر گذار باشد

۶) ارتباط ولایت مداری و بصیرت دینی با شکوفایی فطرت انسان

معنا و مفهوم ولایت مداری در چارچوب اطاعت و پیروی از ولی امر، واقعیت پیدا می‌کند همان گونه که در تفکر اسلام ناب محمدی (ص) نهادینه شده است جانشین خدا و حجت الله در دنیای انسان و جهان هستی به عنوان راهنمای اصلی برای رسیدن به تقرب الهی است این فرایند در زمین نقش رهبر راستین و واسطه فیض، بین خالق و مخلوق می‌باشد وجود راهنمای راستین الگو، مقتدی، اسوه حسنة عملی برای جامعه اسلامی ضرورت دارد پذیرش ولایت منافی را به دنبال دارد که عبارت است از آگاهی و علم پیدا کردن به چگونگی رهبری که واسطه فیض و کمال، برای انسان است. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۶۴ -

انتخاب ولی و سرپرست و حجت خدا توسط مردم مهم و سروشت ساز است به این دلیل که جامعه اسلامی بدون سرپرست و ولی در امورات زندگی دنیایی، دچار مشکلات فراوان می‌گردد و یکنوع هرج و مرج اجتماعی و اختلافات قومی مذهبی و نزاع های طایفه ای به وجود می‌آید که مطلوب هیچ انسانی و جامعه اسلامی نیست. پس وجود ولی، برای مردم در جهان، یک ضرورت به حق و واقعی است تا هدایت مردم را به دست گیرد و برای انسجام و اتحاد و اتفاق مردم، سعی و تلاش نماید و برای رفاه و آسایش زندگی مردم و رشد و توسعه جامعه اسلامی برنامه‌ی حاکمیتی را گسترش دهد و به فکر مردم و جامعه باشد.

پذیرش ولایت اولیاء و مقربان خاص پروردگار جهان، مانند پیامبر (ص) و چهارده معصوم (ع) همان پذیرفتن ولایت و بندگی خداوند متعال است و عملاً پای بندی خود را به اعتقادات که در دین اسلام به دست آورده است ابراز و اظهار نماید در واقع با ورود به جامعه اسلامی انسان در مسیر صراط مستقیم و هدایت و رستگاری خود نیز تلاش نماید و از دریای بیکران معرفت الهی بهرمنند شود چنانکه در قران کریم و آیت الکرسی آمده است انسان از دو حال خارج نیست:

الف) یا انسان ولایت مدار متعهد و مومن می‌شود و در مرتبه رستگاری واقعی که از جانب خداوند متعال، وعده داده شده است قرار می‌گیرد: "اللَّهُ لِي الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ" (بقره: ۲۷۵) با پذیرفتن ولایت الهی و اطاعت از ولی امر، رهایی و نجات از ظلمات حتمی است و به فلاح و رستگاری نایل می‌شود و در شعاع نور الهی به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد.

ب) یا با عدم پذیرش ولایت، راه دیگری را انتخاب می‌کند، که قطعاً مسیری غیر از ولایت الهی سر انجامش نیست و نابودی و سقوط در آتش جهنم است، آنان که از دستورات الهی اطاعت نکنند و زیر چتر حمایتی شیطان قرار بگیرد در دام فریب زرق و برق دنیای مادی دچار گمراهی و تباهی، نابود می‌شوند. "وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يَخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" (بقره: ۲۷۵)

تحقیق و بررسی نشان می‌دهد که ولایت مداری نقش مهمی در شکوفای فطرت انسان دارد و با آگاهی و دریافت پیام الهی در مسیر صحیح و هدایت گرانه مبلغان دینی قرار می‌گیرد و از دستورات احکام اسلامی اطاعت می‌نماید.

بصیرت

علم و آگاهی و اطلاع از وضع زندگی شخصی، فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، از نیازهای زندگی امروز جهان صنعتی است، هم چنین آگاهی از تحولات که در جهان رخ می‌دهد برای هر انسانی مفید است. اما بصیرت دینی یک نوع خاص از دانش امروز است که در مرتبه عالی قرار دارد که منافع دینی و ایمانی و جامعه اسلامی را در هر شرایط تحلیل و بررسی و درک می‌کند هیچ اقدام بر ضرر دین و اسلام انجام نمی‌دهد تمام برنامه‌هایش جهت ارتقاء و گسترش معارف دینی است انسان که بصیرت دارد در مقابل دشمنان اسلام و معنویت ذره‌ای کوتاه نمی‌آید. کوچک ترین ضعف از خود نشان نمی‌دهد و با صلابت و بصیرت دینی و تبلیغی از اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی حراست می‌کند و معارف دین را در جهان با بروز کردن مفهوم دینی معارف اسلامی عرضه می‌کند.

"رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَابْصَرَ" (نهج البلاغه: خ ۳۱) علی (ع) راه رسیدن به بصیرت را علم اندیشه، تفکر، عبرت گرفتن از گذشته و سوابق تجربه شده می‌داند و آنچه در دنیا می‌بیند و درک می‌کند با معرفت و شناخت تحلیل و بررسی کند و علم و تفکرش را در خدمت شکوفای دین قرار دهد زیرا علم به تنهایی و شناخت و آگاهی، پر کردن ذهن از علوم عقلی و نقلی بصیرت دینی نیست.

علم و آگاهی اگر بصیرت دینی می‌آوردن بسیار از دانشمندان الان در مسیری صحیح دینی بودند در حالیکه چنین نیست و صرف قبول داشتن خدا کفایت نمی‌کند باید به احکام و دستورات که از طریق پیامبران الهی برای بشر عرضه شده است نیز گردن نهند و بی تفاوت نباشند بلکه با اشتیاق تمام دستورات الهی، تقوا و بندگی خدا را با جان و دل بپذیرد و به آن جامعه عمل ببوشانند. متأسفانه دانشمندان زیادی همین الان در جهان صنعتی وجود دارد و

لی نسبت به هدف خلقت مسیر بیراهه را طی می‌کند و نسبت به احکام دینی و معارف اخلاقی و ارزشی آن علاقه مند نیست و زیر بار قوانین الهی نمی‌رود و از کنار آن به راحتی می‌گذرد. پس بصیرت دینی یعنی علم و آگاهی که با تقوای الهی همراه باشد.

چنانچه ایمان و تعهد تقوا و تعبدی بدون بصیرت دینی ارزش ندارد دلیلش این است انسان هر چه مومن و با تقوا باشد و خالی از بصیرت دینی به جایی نمی‌رسد. به این جهت ایمان و تقوا و انجام اعمال دینی و مذهبی در صورت ارزش و کارآیی برای انسان و جامعه اسلامی دارد که همراه با بصیرت دینی و معرفت واقعی که شرایط زمانی و مکانی را تحت اشرف کامل داشته باشد و بتواند مطلوب خداوند متعال را به دست آورد و در فرایند تبلیغات اسلامی که بیان معارف دینی است تاثیر گذار باشد و پاسخگویی برای مخاطبان جهانی را با بصیرت افزایی در اولویت قرار دهد.

ارتباط بصیرت دینی با شکوفای فطرت انسانی غیر قابل انکار است در صورت انسان به شکوفای معنوی و الهی دست می‌یابد که فرهنگ بصیرت افزایی دینی را در وجود خود تقویت کند در این صورت می‌تواند با بصیرت دینی که به دست آورده است زندگی بقیه انسان‌ها را نیز در مسیر معنویت و ارزش‌های دینی و اخلاقی به شکوفایی برساند.

تبلیغات اسلامی؛ مانند بیان معارف اسلامی و ترویج گزینه‌های شناخته شده معنوی از قبیل ولایت مداری و بصیرت می‌تواند به برگشت انسان، به فطرت پاک الهی و در شکوفایی جامعه اسلامی، نقش اساسی ایفا کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تبلیغات هدفمند دینی و بیان معارف اسلامی، مانع رفتارهای غیر اخلاقی و انسانی می‌شود. تبلیغ گزاره‌های دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر، انجام عمل صالح، علم و آگاهی، حیات طیبه، حاکمیت حتمی الهی، قانون مداری (بدون تردید منبع قانون اسلامی و سرچشمه‌اش وحی است که توسط پیامبر اسلام

بیان شده است.) ولایت‌مداری و بصیرت دینی نقش اساسی در شکوفای فطرت پاک انسانی دارد.

تبلیغات در مسیر ارزش‌های اسلامی و فطرت پاک انسانی می‌تواند؛ برای شکوفای سرشت پاک انسان افق جدیدی را باز کند، معرفت‌افزای دینی را در جهان صنعتی‌گسترش داده و سطح شناخت را از دنیای مادی صرف، به معرفت‌الله ارتقاء دهد و جهان صنعتی با رویکرد صرفاً مادی در حال نابود کردن فطرت پاک انسانی است و موجب خاموش شدن فطرت پاک انسان شده است، خویشتن فراموشی و فرار از اصالت انسانی، مشکلات بشر امروز است که در آن گرفتار شده است. برای نجات انسان امروز، فقط گذاره‌های و حی‌الهی می‌تواند بشر را خانواده را جامعه را به مسیر حقیقت و برگشت به فطرت پاک انسانی راهنمایی کند.

بنابراین سازمان تبلیغات اسلامی، مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای با تولید محتوای سازنده و باز نشر گذاره‌های دینی و اسلامی، زمینه‌ی رشد و توسعه‌ی فرهنگ دینی و ایمانی را تقویت کند و با برنامه‌های تبلیغی، گام اساسی برای رشد و شکوفایی فطرت در جهان صنعتی بر دارد. محتوای تولید شده نباید صرفاً ملی و مذهبی و منطقه‌ای باشد؛ باز نشر معارف دینی و اسلامی باید با نگاهی جهانی صورت گیرد و با نیازهای جهان صنعتی هم‌خوانی داشته باشد.

منابع

قرآن کریم

- (۱) نهج البلاغه
- (۲) راغب اصفهانی، محمد، المفردات فی الالفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
- (۳) الویری، محسن، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- (۴) رهبر، محمد تقی، ره توشه مبلغ ویژه حج، چاپ و نشر مشعر، ۱۳۸۴.
- (۵) العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ۱۴۱۲ هـ ق، قم، موسسه ی اسماعیلیان.
- (۶) حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، من جواهر القاموس، محقق و مصحح: علی، هلالی و سیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق
- (۷) فیومی، احمد ابن محمد، المصباح المنیر، قم، دارا لحجرت، ۱۳۷۲ق.
- (۸) ابوالحسن، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ هـ ق، قم، مکتب اعلام الاسلامی.
- (۹) ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، محقق و مصحح: میردامادی، جمال الدین، بیروت، دارالفکر للطباعة، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- (۱۰) . راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ قرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- (۱۱) جوادى آملی، عبد الله؛ فطرت در قرآن، محقق: مصطفی پور، محمد رضا، قم، نشر اسراء، چاپ ۵، ۱۳۸۷ش.
- (۱۲) ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، محقق و مصحح: طناحی، محمود محمد، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش
- (۱۳) جعفری، محمد تقی؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش
- (۱۴) قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
- (۱۵) ابوجعفر الطوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، بی تا، دارالاحیاء التراث العربی
- (۱۶) طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴ ق، منشورات جامعه المدرسین
- (۱۷) میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، (ع) قم، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۲.